

The Policies of the Holy Qur'an in the Socialization of Chastity and Hijab

Abdolkarim Bahjatpoor¹, Khadijeh Ahmadi Bighash² 

1. Associate Professor, Department of Quran Studies, Institute of Wisdom and Religious Studies, Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran, a.bahjatpoor@iict.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Faculty of Humanities, Tarbiat Modarres University (Corresponding Author), Tehran, Iran, Kh.ahmadi@modares.ac.ir

Research Article



Abstract

The present study seeks to answer the question of what policies the Holy Qur'an implemented, at the appropriate time, as a programme for the guidance of humanity, for the social acceptance of chastity and hijab. A descriptive-analytical study of this issue indicates that the culture of Islamic hijab did not emerge only by issuing the rule of hijab, but rather provided the grounds for facilitating the internalization of Islamic veiling and so, transforming the society of the era of descent of Qur'an from a life in thought and a culture of ignorance into a life in thought and a culture of faith. The socio-cultural atmosphere and the course of revelation of the verses made it clear that the policy of the Qur'an before the hijab was to establish a ground for prevailing chastity as a norm in a society of faith. Therefore, the Qur'an, by distinguishing between chastity and covering the body and not imposing the burden of chastity-creating on hijab, paying attention to the stages of realizing chastity - from valuing to establishing the norm of chastity and purity - expresses the necessary policies for accepting the rule of hijab and, by creating a kind of faith discipline, realizes a covered individual and society based on the social personality of believers. A social personality that is based on ten basic components of its capacity and not only women but also men have been effective in its formation. After the realization of these components, the rule on hijab has been issued as a government law in order to identify women's social faith in a religious and political manner and resulted in the norming and continuation of Islamic dress and identity.


KEYWORDS: Revelation of the Qur'an, Islamic Dress, Chastity, Faith-based Society, Islamic Government

Received: 2024-11-23 | Received in revised from: 2025-01-20 | Accepted: 2025-03-06 | Published online: 2024-12-21

◆ How to cite: Bahjatpoor, Abdolkarim, Ahmadi Bighash, Khadijeh(1403SH): The Policies of the Holy Qur'an in the Socialization of Chastity and Hijab, *quran and social sciences*, 4(16), p142-171, 10.22034/arq.2024.216763

©The Author(s). Article type: Research Article Published by: University of Holy Quran Sciences and Education



 arq.quran.ac.ir

سیاست گذاری های قرآن کریم در جامعه پذیری عفاف و حجاب

عبدالکریم بهجت پور^۱، خدیجه احمدی بیغش^۲

۱. دانشیار گروه قرآن پژوهی پژوهشکده حکمت و دین پژوهی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران،

a.bahjatpoor@iict.ac.ir

۲. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، تهران، ایران،

Kh.ahmadi@modares.ac.ir

پژوهشی



چکیده

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که قرآن کریم به عنوان برنامه هدایت بشر، برای جامعه پذیری عفاف و حجاب چه سیاست‌هایی را به موقوع اجرا گذاشت و آن‌ها را چگونه عملی کرد. بررسی توصیفی تحلیلی این مسئله حاکی از آن است که فرهنگ حجاب اسلامی تنها با صدور حکم پوشش پدید نیامد بلکه زمینه‌هایی فراهم شد تا امر درونی سازی پوشش اسلامی تسهیل شده و جامعه عصر نزول از زیست در اندیشه و فرهنگ جاهلی، به زیست در اندیشه و تشخص ایمانی مبدل شود. فضای فرهنگی اجتماعی و سیر نزول آیات آشکار داشت سیاست قرآن پیش از حجاب، منعطف بر تحقق زیست عقیفانه به عنوان هنجار در جامعه ایمانی بوده است. از این رو قرآن با تفکیک میان عفاف و پوشش و عدم تحمیل بار ایجاد عفاف بر حجاب، توجه به مراحل تحقق عفاف-از ارزش گذاری تا تثبیت هنجار سازی عفاف و پاک‌دامنی- سیاست‌های ضروری پذیرش حکم پوشش را بیان کرده و با ایجاد نوعی انضباط ایمانی، بر پایه شخصیت اجتماعی مؤمنان، فرد و جامعه‌ای پوشیده را محقق می‌نماید. شخصیت اجتماعی که بر مبنای ده مؤلفه اساسی ظرفیتش بنانهاده شده و نه تنها زنان بلکه مردان نیز در شکل‌گیری آن مؤثر بوده‌اند. پس از تحقق این امور، حکم حکومتی حجاب به منظور تشخص ایمانی اجتماعی بانوان به صورت شرعی و سیاسی صادر شده و هنجار سازی و تداوم هویت و پوشش اسلامی را در پی داشت.

کلیدواژه‌ها: سیر نزول قرآن، پوشش اسلامی، عفاف، جامعه ایمانی، حکومت اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

◆ استناد به این مقاله: بهجت پور، عبد الکریم؛ احمدی بیغش، خدیجه (۱۴۰۳): (سیاست گذاری های قرآن کریم در جامعه پذیری عفاف و حجاب)، *قرآن و علوم اجتماعی*، ۴(۱۶)، ۱۴۲-۱۷۱. 10.22034/arq.2024.216763

© نویسندگان نوع مقاله: پژوهشی ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم



arq.quran.ac.ir

۱. مقدمه

پس از رنسانس و آزادی جوامع غربی از حاکمیت طولانی کلیسا در اموری چون به رسمیت نشناختن گزینه جنسی، برخورد غیر ارزشی با مقوله ازدواج و توصیه دین‌داران به دوری از ازدواج، مجاز نبودن طلاق همسران و... که عامل پدید آمدن عقده‌های اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی شدیدی شده بود، دیدگاه‌های بسیار افراطی در آزادی بدون قید و شرط در رفتارهای جنسی را پدید آورد. این آزادی بی‌قید و شرط از قانونی و هنجار شدن دوستی‌های مردان و زنان خارج از چهارچوب ازدواج آغاز شده و تا سرحد هم‌جنس‌گرایی و حتی لذت‌جویی از حیوانات نیز پیش رفت. سردمداران دنیای غرب از همان ابتدای رنسانس آرزوی استثمار و استعمار مناطق مختلف جهان، غارت ثروت‌های آنان و سیطره دیدگاه‌های جهان‌شناختی خویش بر اندیشه سایر اقوام را در سر می‌پروراندند؛ اما متأسفانه این بسته فن‌آورانه و صنعتی یک پیوست فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر مبانی فکری و اندیشه‌های بنیادین اومانستی، الحادی، غیردینی و بلکه ضد دینی نیز با خود به همراه داشت و صادرات فن‌آوری و محصولات صنعتی دنیای غرب، بسیاری از کشورهای اسلامی را با چالش و انحطاط بزرگ در حوزه اعتقادی اخلاقی مواجه کرد. این تبادل فرهنگی، به تهاجم و شیخون فرهنگی تمام‌عیار دنیای غرب علیه جوامع اسلامی منجر شد. خصوصاً آنکه دنیای غرب تنها خطر فراوان در برابر خوی استکبار و زیاده‌طلبی خود را، اسلام و آموزه‌های وحیانی این دین مبین یافت و درصدد برآمد تا به صورتی هوشمندانه‌تر از سایر اهداف، پشتوانه فرهنگی جهان اسلام را مورد حمله قرار دهد.

یکی از کلیدی‌ترین مقولات فرهنگی در این صحنه مبارزه که به جد مورد توجه جهان غرب قرار گرفته و سردمداران آن بارها با صراحت و کنایه از برنامه‌ریزی برای این مقوله سخن گفته‌اند، مسئله حیا، حجاب و پوشش مردم در کشورهای اسلامی است که باید به فکر راه‌حلی بود تا نسل‌های جدید و به‌خصوص جوانان توان آراسته شدن به حیا و پاک‌دامنی را پیدا کرده و عموم مردم و افراد متقی بر این مسیر مستقیم پایداری نمایند. متأسفانه روش‌های فرهنگ‌سازی در

این مقولات تاکنون از مدل روشنی برخوردار نبوده، همین امر موجب گشت تا تلاش‌های فرهنگی و تربیتی دستگاه‌های مربوطه رویش‌ها و محصولات بایسته نداشته و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی اسلامی، برای مبارزه با موج فرهنگی جریان یافته از سمت دنیای غرب، توانا نباشد و بدان جا پیش رفته که حتی اعتماد به دستگاه‌های حقوقی و انتظامی در این عرصه به تدریج کم تأثیر شده و روزبه‌روز از توان بازدارندگی برخوردارهای انتظامی و قضایی کاسته شود. نسخه درمان دردها و راه برپا کردن عادلانه اجتماعات انسانی و اسلامی بازگشت به سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی قرآن کریم است. این نسخه شفابخش که در زمانی به تیرگی جاهلیت معاصر نزول توانست چنان تحولات شگرف نورانی ایجاد نماید، امروز هم کشتی نجات از فتنه‌های تاریک خواهد بود. همان‌گونه که رسول‌الله (ص) نیز بر آن تأکید می‌فرماید: «فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ»؛ هرگاه فتنه‌ها مانند پاره‌های شب تاریک شما را دچار شبهه کرد به قرآن رجوع کنید (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۵۹۸). روش‌های تحول در نزول تدریجی قرآن قابل کشف و استخراج بوده و می‌توان از سیاست‌گذاری‌های قرآن، مدل‌های ساده‌شده‌ای برای تحولات اجتماعی و اخلاقی جوامع امروزی به دست آورد. حال آنکه کنار گذاشتن این روش‌ها موجب شده اجتماعات مسلمانان از پیشرفت و پیشروی بازمانده و نتوانند جامعه‌هایی الگو برای دیگران شوند.

تحقیق حاضر با روش تنزیلی قرآن بنیان درصدد بررسی سیاست‌گذاری‌های کلان قرآن کریم در جامعه‌پذیر نمودن عفاف و پوشش و تحول جامعه از آلودگی به حیا، عفاف و حجاب است. نزول تدریجی قرآن در زمان نزول به‌منظور متحول ساختن مردم در اجتماع، ابتدا در چند مرحله و به تدریج تغییراتی در آن ایجاد کرد تا آنکه اجتماعی عقیف و پوشیده پدید آورد. در این تحقیق تلاش می‌شود با بررسی سیر طرح این سیاست‌های کلان قرآنی در جامعه عصر نزول قرآن، الگویی عملی در ایجاد عفاف و حجاب برای جامعه امروز ایران ارائه گردد.

۲. پیشینه تحقیق

برخی از نگاه‌های مرتبط با مسئله این تحقیق عبارت است از:

- مقاله: فرهنگ عفاف و حجاب؛ راه کار نهاده‌سازی، گسترش و حفظ باورهای دینی، نوشته ناهید طیبی، مجله پیام زن (۱۳۸۶)، با پرداختن به وظایف برخی از دستگاه‌های دولت اسلامی، تنها بر مسئله و ابزارهای آموزشی تأکید نموده است.

- مقاله: آسیب‌شناسی سکولار شدن حجاب با نگاهی به مسیرهای محتمل پیش روی جامعه دینی ایران، نوشته محمدرضا عرب بافرانی، مجله مهندسی فرهنگی (۱۳۹۲) با پرداختن به معنای سکولاریسم و اشکال مختلف بروز آن در جامعه ایران، به برخی نمودهای آن در پدیده بی‌حجابی پرداخته است.

- مقاله: اختیارات و وظایف دولت اسلامی در بسترسازی برای عفاف و حجاب و گسترش آن، نوشته سید محمد کیکاووسی، مجله دادرسی (۱۳۹۱) به بررسی حوزه اختیارات و وظایف برخی نهادهای دولتی در ترویج فرهنگ حجاب پرداخته است.

- مقاله: راهکارهای گسترش و نهادینه کردن عفاف، نوشته محسن فتاحی اردکانی، مجله معرفت (۱۳۹۰) راه‌های متعددی از دستیابی به عفاف در فرد و جامعه را از متون مختلف مورد بررسی قرار داده است.

- مقاله: راهکارهای تقویت حجاب و عفاف در جامعه، نوشته محمد شریف طاهرپور، مجله مهندسی فرهنگی (۱۳۸۹) با تبیین برخی از کارکردهای عفاف و حجاب، پیامدهای حاصل از هریک را مورد بررسی قرار داده است.

- مقاله: تأملی بر تبیین جامعه‌شناسی حجاب و ارائه راهکارهای لازم برای آن، نوشته محمدحسین شریتیان، مجله مهندسی فرهنگی (۱۳۹۰) مسئله حجاب و بی‌حجابی را از زوایای گوناگون اخلاقی، دینی، فرهنگی، سیاسی و با رویکرد جامعه‌شناختی مورد تحلیل آسیب‌شناسی قرار داده است.

و نگاه‌های بی‌شمار دیگر که از منظر کافی برای بازطراحی، ارتقاء، اصلاح روشمند، رعایت شرایط و مقتضیات جهانی برخوردار باشد، بی‌بهره بوده و کمکی مؤثر و کارآمد به‌منظور فرهنگ شدن پوشش اسلامی و پاک‌دامنی به شمار آید، یافت نشد؛ از این رو این پژوهش با حل مسئله خود درصدد ارائه راهکاری عملی جهت عملیاتی‌سازی فرهنگ عفاف و پوشش در جامعه ایران اسلامی است.

۳. نقش عفاف در تحقق پوشش اسلامی

سیاست‌گذاری‌های کلان قرآن در جامعه‌پذیری فرهنگ حجاب نشان می‌دهد فرهنگ پوشش اسلامی تنها با صدور حکم پوشش پدید نیامد؛ بلکه به این منظور ابتدا زمینه و اسبابی فراهم شد تا امر پذیرش، درونی‌سازی و هنجار سازی پوشش اسلامی تسهیل شود. بررسی آیات مرتبط با آلودگی‌های اخلاقی مرتبط با عفاف و پاک‌دامنی نشان می‌دهد قرآن در مسیر متحول ساختن مردم به ترتیب چهار تغییر: ارزش‌گذاری بر عفاف و پاک‌دامنی، تثبیت ارزشمندی عفاف و پاک‌دامنی، هنجار سازی ارزشمندی عفاف و پاک‌دامنی، تثبیت عفاف و پاک‌دامنی را در اجتماع پیگیری کرد. سیاست قرآن مراحل تحول‌آفرین زیر را به ترتیب نزول در راستای تحقق جامعه‌ای عقیفانه نموده است:

الف) ارزش‌گذاری بر عفاف و پاک‌دامنی

این مرحله از نزول آیات قرآن، همگام با دوره اول دعوت پیامبر (ص) و رویش مخفی مؤمنان بود. در این دوره پیامبر (ص) با بازگو کردن اصول اعتقادی و تأکید بر رفتار عقلایی اسلامی، وضعیت موجود در اجتماع مکی را به چالش کشید و به تدریج مباحث مربوط به ارزش‌گذاری بر عفاف و پاک‌دامنی و تقبیح آلودگی‌های جنسی را طرح نمود. سیاست‌های کلان قرآن در مرحله ارزش‌گذاری بر عفت و ورزی و پاک‌دامنی به ترتیب نزول آیاتش عبارت‌اند از: - آگاه‌سازی اجتماع مکه از آلودگی‌های شایع و مستقر و تبعات منفور آن‌ها: در اقوام گذشته چون سرگذشت شوم قوم لوط: «كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ... نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ... فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرٍ» (قمر: ۳۳-۳۹). اولین اقدام در جلوگیری و گنبد کردن گسترش آلودگی‌ها، توقف جریان آلوده به بی‌عفتی با ترویج فرهنگ شکرگزاری پروردگار و منع همراهی کردن شاکران با پیامدهای اجتماع آلوده میسر می‌شود.

- نقل گزارش‌های بدون حساسیت، از اقوام مبتلابه آلودگی‌ها: نقل وجهی از ماجرای قوم لوط با بیانی سربسته و سرشار از حیا: «وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ... وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا...» (اعراف: ۸۰-

۸۴) هشدار مردم از خطر مشارکت در تبعات آلودگی و دوری و خلوت نمودن اطراف جریان‌های آلوده، به‌منظور تقلیل زمینه‌های ارتکاب به آلودگی.

- طرح صریح آلودگی ارتباط با جنس مخالف و زنا و نهی از آن: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا... وَلَا يَزْنُونَ... وَأُولَئِكَ يَجْزُونَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيَلْمَقُونَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا» (فرقان: ۶۳-۷۵) انگیزه و درک قوی و روشنی از رحمانیت الهی، عاملی مهم در پرهیز از بی‌عفتی و آلودگی‌های جنسی است (طباطبایی، بی تا، ۱۵: ۲۴۱).

- معرفی الگوهای کامل و ارزنده چون مریم (س) برای مؤمنان: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَّبَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا... فَأَتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا... قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ...» (مریم: ۱۶ - ۱۸). حیاورزی، اقدام عملی به عبادت خداوند و استمرار بر آن، عبادت‌های در خلوت، بهترین عامل کنترل نفس از بی‌عفتی و آلودگی‌های جنسی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۵: ۱۵۴).

- ضرورت نیازمندی به ابراز ناپسندی و غیریت‌سازی میان گفتمان مخلصان از غیر آنها در اجتناب از آلودگی‌های اجتماعی: «إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» (شعرا: ۱۶۱-۱۶۳). افزون بر عباد الرحمن که متصف به رفتار پاک‌اند، بر مصلحان نیز داشتن روحیه نفرت از گناه، بی تفاوت نبودن و اعلان موضع مناسب نسبت به آلودگی‌های اخلاقی و گوشزد نمودن آن به اهلیش ضرورت دارد.

- نهی جریان‌های آلوده حتی طبقه غیردینی از زنا: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْنَةَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء: ۵۰)، (۳۲) ادله عقلانی پشتوانه ممنوعیت زنا و کج‌راهه بودن آن حتی بدون دخالت دین نیز قابل درک است.

- ارائه راه‌های ترکیبی جایگزین و مشروع و یا راه‌های درمان بی‌محدور یا کم‌محدور ترویج پاک‌دامنی، به‌منظور عدم رواج ناهنجاری‌ها: «وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَةً يَوْمَ ضَاقَ بِهِمْ دَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ... قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ... فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَابَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ» (هود: ۷۷-۸۲). درمان انحرافات اخلاقی تنها به نهی مردم از منکر نیست بلکه اگر راه‌های مشروعی برای جلوگیری از ارتکاب حرام باشد باید

آن‌ها را نشان داد (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ۱۹: ۹۵).

- خلوص همه‌جانبه: «وَرَاوَدْتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ... لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف: ۲۳ - ۲۴) خلوص در همه امور مؤثرترین راه کار پرهیز کامل از آلودگی‌های بی‌عفتی و غلبه بر بحران فشار اجتماع آلوده بر افراد پاک‌دامن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۰: ۳۷۸).

- هشدار نسبت به سرعت اجتماع آلوده در ایجاد جامعه هم‌افزا بر فساد: «وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا... فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ... قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ... ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيْسَ جُنُنَهُ حَتَّىٰ حِينٍ» (یوسف: ۳۰-۳۵) دور ماندن از آسیب‌های این محیط، اقدامات اختیاری تضرع به درگاه پروردگار را می‌طلبد.

به‌طورکلی سیاست‌گذاری قرآن در این مرحله به‌طور مستقیم، ارزش‌گذاری بر حیا و عفت و رزی را هدف قرار داده تا با توانمندسازی مؤمنان در پرهیز از آلودگی جنسی در جامعه‌ای مانند سرزمین حجاز معاصر نزول که آلودگی‌های جنسی در آن رواج داشت، بینشی متفاوت به آنان داده و فاصله‌گیری از آلودگی‌های جنسی را سهولت بخشیده است.

ب) تثبیت ارزشمندی عفاف و پاک‌دامنی

سیاست‌های قرآن در این مرحله که تقریباً با دعوت علنی پیامبر (ص) همراه است، تثبیت ارزش‌گذاری بر عفت و رزی و تقویت نشاط و استقامت مؤمنان در عرصه پاک‌دامنی، فاصله دادن هرچه بیشتر آنان از محیط‌های غیردینی و غیراخلاقی و تنظیم رابطه مناسب افراد با اکثریت اجتماع را مدنظر داشته است. سیاست‌های این مرحله به ترتیب نزول از سوره‌های انعام تا مطففین در مکه پیگیری شد، موارد ذیل است:

- به چالش کشیدن رویه‌های ضد اخلاقی حاکم بر اکثریت اجتماع: «وَذُرُوا ظَاهِرَ الْأَيْمَنِ وَبَاطِنَهُ...» (انعام: ۱۲۰)، زمینه‌سازی‌هایی برای اصلاح ناهنجاری‌های

جنسی در اجتماع را مهیا می‌دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴، ۵۵۲).

- تأکید بر ادله عقلانی عفت و ورزی و اجتناب از آلودگی های جنسی، برای مشارکت دادن غیر مؤمنان پاک‌دامن در اجتناب از آلودگی های اخلاقی: «قُلْ نَعَالُوا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ... وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ...» (انعام: ۱۵۱). اقلیت صالح باید سعی کنند اکثریت مخالف و معارض را با تأکید بر امور عقلانی و شناسایی مشترکات ارزشمند، برای ساخت روابط سالم اجتماعی وارد گفتگو و مذاکره نموده و زمینه‌های اصلاح ناهنجارهای جنسی اجتماعی را فراهم نمایند (طباطبایی، بی‌تا، ۷: ۳۷۲). این امر محقق نمی‌شود مگر با تقویت ایمان و توکل به خدا: «...وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (شوری: ۳۶).

- مقایسه مؤکد میان فرجام مرتکبین به بی‌عفتی و آلودگی های جنسی و توصیه به عبرت‌آموزی از تاریخ: «قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ... وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ» (ذاریات: ۳۲-۳۷). خداوند با اطمینان به مؤمنان و ایجاد روحیه امید به آینده در اقلیت پاک‌دامن: «وَلَوْطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ... وَالَّتِي أَحْصَيْنَتْ فِرْعَانَ فَتَفَخَّنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْتِهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۷۴ و ۹۱)، سپاسگزاری ایشان به درگاه الهی را تداوم می‌بخشد (مدرسی، ۱۳۷۷، ۱۴: ۵۰).

- تأکید بر نقش ایمان و نماز در اعتدال زیست عقیفانه و کنترل رفتارهای جنسی: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ... فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (مؤمنون: ۵-۷)، ایجاد محیط‌های هم‌افزا در تجمع‌های مؤمنان پاک‌دامن و اهل نماز، شناساندن نقش هم‌افزایی آلودگان در انحطاط و هلاکت قطعی جامعه و یا به سخره گرفتن هشدارها توسط ایشان، به صورت توأمان مؤثر خواهد بود: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ... فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (معارج: ۲۹ - ۳۵). سیاست‌های قرآن در این مرحله نشان می‌دهد خداوند در زمان نزول این دست آیات، صراحتاً با آلودگی های جنسی جامعه مشرک مکه برخورد کرده تا از یک سو هنجارهای نادرست اجتماع مشرک به چالش کشیده شده و گفتمان ضد ارزش‌های حاکم بر فضای فرهنگی مشرکان تضعیف شود؛ و از سوی دیگر

حمایت از مؤمنانی باشد که تحت فشار هنجارهای نادرست جامعه مکی قرار داشتند. آمیختگی مؤمنان پاک‌دامن با منحرفان اخلاقی در مکه ایجاب می‌کرد مؤمنان از عذاب نشدنشان به‌عنوان پاداش پاک‌دامنی مطمئن شوند.

ج) هنجار سازی ارزشمندی عفاف و پاک‌دامنی

تا قبل از این مرحله پروردگار حکیم ابتدا گروهی مؤمن را تربیت کرد که زیست عفیفانه و اجتناب از آلودگی‌های اخلاقی را در ذهن، دل، زبان و عمل خودباور کرده و تحقق بخشند، پرهیز از آلودگی‌ها را به‌عنوان ارزشی پایدار پذیرا شده و توان مقاومت در برابر اجتماع آلوده را پیدا نمایند. اکنون در این مرحله - که بخش عمده سوره‌های مدینه را شامل می‌شود - سیاست‌های قرآن بر آن بود تا جایگاه عفت و پاک‌دامنی چنان گسترده شود تا جامعه انتظار رعایت این ارزش را حتی به قیمت مجازات مرتکبان خلاف اخلاقی پیدا کرده، بر این ارزش‌ها هنجار سازی شده و هنجار پاک‌دامنی به عفت عمومی تبدیل می‌شود. بررسی اجمالی فضای فرهنگی این مرحله از آیات نشان داده در مکه به دلیل آنکه مکان مشرک جمعیت اصلی این شهر را تشکیل می‌داند، فرصت هنجار اجتماعی ساختن این ارزش فراهم نشد؛ اما در مدینه این فرصت فراهم شد و با تقنین‌های الهی پاک‌دامنی به هنجاری اجتماعی مبدل گشت. این امر دلایل گوناگونی چون: بلوغ اجتماعی مردم پس از نزول آیات مکی، فرهنگ بالاتر مردم مدینه و موقعیت‌شناسی آنان، ارتباط نزدیک اهل یترب با اهل کتاب و رواج فرهنگ دینی در میان مردم آن و... داشت که موجب شد خداوند ارزش‌های پذیرفته و تثبیت‌شده در مراحل قبل را در عرصه زندگی جمعی پیاده و علمی کرده و قواعد رفتاری را بر اساس آن ارزش‌ها، بناگذاری نماید؛ به‌عبارت‌دیگر هنجار سازی نیاز به محیط اجتماعی مناسب برای تقنین و پذیرش مردمی و درنهایت تثبیت و جایگیری اجتماعی ارزش‌ها دارد. تنها در این شرایط است که معروف اجتماعی پدید می‌آید و امکان امر عمومی به معروف و نهی از منکر در عرصه گسترده اجتماع و نه جمعیت‌های محدود و هم‌نظر، فراهم می‌شود (بهجت‌پور ۱۳۹۸: ۱۹۳).

خداوند در این مرحله ابتدا با تدبیر قوانینی (در چالش‌های زندگی خانوادگی و اجتماعی) از حریم عفاف پاسبانی نمود. برای نمونه در قدم اول بسیاری از تراحم‌های مربوط به روابط مشروع زناشویی در کنار دیگر قوانین عبادی مانند روزه و اعتکاف، شرایط خاصی چون عادات ماهانه‌زنان یا چالش‌هایی همچون ایلاء، طلاق، فوت مردان و... که روابط عادی همسران را دچار اختلال می‌کرد، مورد توجه قرارداد و در تمام آن‌ها برای تسهیل پاک‌دامنی در روابط اجتماعی، قوانین و الگوهای رفتاری لازم را تدبیر نمود (بهجت‌پور، ۱۳۹۸، ۱۳۸). نگاهی به احکام ایلاء: «لِّلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ...» (بقره: ۲۲۶) طلاق: «وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَجِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبِعُولَتِهِنَّ أَحَقُّ بِرِدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا...»^۱ (بقره: ۲۲۸)، وصیت: «وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْكُمْ وَيَدْرُونَ أَرْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَرْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ...» (بقره: ۲۴۰)، ارث: «وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲۴۱) و خانواده: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانكحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَعُولُوا»^۲ (نساء: ۳) نشان می‌دهد که احکام این مرحله به‌طور عمده در دفاع از زنان شکل گرفت و نقطه مشترک تمام آیات آن، ممانعت از بلا تکلیفی معیشتی، عاطفی و وارد شدن فشارهای جنسی غیر قابل تحمل بر زنان است. چالش‌هایی که می‌تواند سلامت اخلاقی و تقوای جنسی زنان و تمام اجتماع را به خطر اندازد.

پس از آن پروردگار دایره تقوای مؤمنان را از حرام به مباح گسترش داد، زیرا این تقوا می‌توانست در تراحم حلال با قانون الهی معارض یا مزاحم، مردم را بر اجرای قوانین تشویق کرده، جلوی ضعف مؤمنان در امثال قوانین را بگیرد؛ لذا ابتدا خویشنداری مؤمنان از حرام را از راه دستور به انجام حلال و مباح مطرح و برای زنان و مردانی که دامن از آلودگی جنسی پاک دارند، مغفرت و پاداش بزرگ وعده می‌کند. خداوند به‌منظور استقرار پاک‌دامنی در اجتماع در آیاتی

۱. بقره: ۲۲۹-۲۳۷.

۲. نسا: ۱۲۸-۱۳۰؛ طلاق: ۶-۷.

چون: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ. قُلْ أُوْتِنْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»^۱ (آل عمران: ۱۴-۱۵)

دستور داد تا مؤمنان تازه‌وارد به اجتماع مدینه، هنجار پاک‌دامنی را رعایت کنند و برای مردان و زنانی که حریم عفاف را رعایت نمی‌کردند مجازاتی اجتماعی و حقوقی تعیین فرمود (طباطبایی، بی تا، ۴: ۲۳۴).

در آخرین سیاست این مرحله مؤمنان را به برخورد سلبی با افراد خطاکار، جنبه اجتماعی از سوی مردم مؤمن و قضایی و حقوقی از سوی حکومت فرمان می‌دهد (بهجت‌پور، ۱۳۹۸: ۱۹۵). از آنجا که ازدواج راه کار مناسب و آسان برای کنترل نیازهای جنسی است، خداوند دستوراتی برای ازدواج و تسهیل آن صادر نمود: «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ... وَاللَّهُ يَرِيدُ أَنْ يُتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا»^۲ (نساء: ۲۵-۲۷). خداوند با تشدید که بر مجازات مرتکبین فحشای جنسی، از آسیب اتهام زدن‌های آن با وضع قوانین سخت گیرانه جلوگیری نمود و با منع اجتماع از شایعات اخلاقی: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (نور: ۲۶)، هوشمندانه هنجارشدن تقوای جنسی، پاک‌دامنی و عفت ورزی را نمایان کرد.

د) تثبیت عفاف و پاک‌دامنی

سیاست‌های قرآن در طرح مباحث عفاف نشان می‌دهد پس از آنکه ارزش عفاف و پاک‌دامنی در اجتماع مؤمن هنجار شد و در حیات جمعی مؤمنان سریان یافت، نوبت به تثبیت این ارزش و هنجارهای ناظر به آن می‌رسد. در این مرحله - که بخش دیگری از سوره مدینه از سوره نور تا توبه را شامل می‌شود - زمینه برای جمع شدن بساط کفر و شرک از شبه جزیره عربستان فراهم می‌شود و جز اسلام

۱. احزاب: ۳۵؛ ممتحنه: ۱۲؛ نساء: ۱۵-۱۶؛ طلاق: ۱.

۲. نور: ۳-۲۱ و ۲۶.

در این سرزمین باقی نمانده و اهل کتاب نیز از نبرد با اسلام دست برداشته و به اهل ذمه تبدیل شدند؛ خداوند دستوراتی را در آیات متعدد به اجتماع مسلمانان می دهد که با رعایت آن ها هنجار عفت عمومی و پاک دامنی تقویت شده و از آسیب های محتمل مصون مانده و به صورت مستمر در متن جامعه زنده بماند (بهجت پور، ۱۳۹۸: ۱۹۹-۲۰۰). از این رو ابتدا عوامل زمینه ساز آلودگی جنسی شناسایی شده و درباره احتمال بازگشت به آلودگی جنسی، حساسیت به خرج می دهد؛ مانند: «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتنا غیر بیوتکم حتی تستأثروا وتسلّموا علی اهلها» (نور: ۲۷)، «قُلْ لِلْمُؤْمِنِینَ یَغْضُوبُ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَیَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُوبَنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا یُبْدِیْنَ زینتهنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلیضربنَّ بِخُمُرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ وَلَا یُبْدِیْنَ زینتهنَّ إِلَّا لِبیوتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ... وَلَا یضربنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ لیعلمَ ما یخفینَ مِنْ زینتهنَّ...» (همان: ۳۰-۳۱) و... به عبارت دیگر پروردگار با تأکید بر اموری چون: وارد نشدن سرزده به خانه دیگران، رعایت عفت چشم در کنار وظیفه مردان و زنان در پوشاندن آلات تناسلی و زنان به پنهان ساختن محرک های جنسی و زینت های باطنی از نامحرم (طبرسی، ۱۳۷۲، ۸: ۲۱۶)، تلاش عمومی برای ازدواج مجردهای اجتماع مؤمن، عفت گزینی مجردها تا وقت پیدا شدن فرصت ازدواج و ایجاد نکردن زمینه های انحراف ناخواسته جوانان به آلودگی جنسی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۴: ۴۶۲)، مدیریت رفتار جنسی همسران در خانه و پنهان کردن از دیگر اعضای خانواده، اجتناب از محروم کردن خود از لذت های حلال جنسی و... امکان زیست عقیفانه و پاک دامن را تقویت می کند^۱ و کوتاهی در این امور را منافی عفاف عمومی و موجب تزلزل این هنجار در جامعه می داند.

۴. ویژگی های جامعه برای طرح پوشش اسلامی

قرآن متنی ناظر به واقعیت اجتماعی فرهنگی جامعه معاصر نزول بوده، وقایع و چالش های آن را مثالی برای تغییر و تحول در سایر اعصار قرار داده است. اطلاع از این وضعیت و مقایسه آن با وضعیت همان جامعه قبل از حضور و گسترش تدریجی فرهنگ قرآن در شبه جزیره عربستان، توانمندی این کتاب الهی را در اصلاح اخلاقی

و فرهنگی آن اجتماع که حتی انواع روابط نادرست اخلاقی و انحرافات جنسی در شعر، نثر و رفتار عرب به وضوح نمایان بود، به زیباترین شکل نمایان می‌سازد (منتظری مقدم، ۱۳۸۴: ۷). نزول تدریجی قرآن پیش از هجرت و پس از آن طرح مباحث و معارف گوناگونی را در پی داشته و شاخص‌های لازم برای اجتماع مؤمنان را در فرایندی حکیمانه و موافق با ظرفیت‌های انسانی نازل فرمود تا آنکه این تشخص به تدریج شکل گیرد. سیاست قرآن بر آن بود که سرانجام در نودمین سوره، همسران مؤمنان را به پوشش اسلامی دستور دهد. چراکه در مدینه پس از تمهید مقدماتی که جامعه ایمانی به جمعیتی چشمگیر رسیده، مستقر و دارای هویت و تشخص شدند، امکان خطاب به اجتماع مؤمنان فراهم شد و خطاب به پوشش عمومی زنان آنان معنا یافت. در این اوضاع، بخش زیادی از عناصر فرهنگ اسلامی در میان مؤمنان درونی شده بود. در سوره احزاب که آیه پوشش اسلامی در آن آمده، از آغاز تا آیه ۳۴ بیشتر مباحثی درباره جایگاه زنان پیامبر (ص) و انتظارات محدودکننده از آنها مطرح می‌شود. پس از آن در آیه ۳۵، ده ویژگی زنان و مردان مؤمن به عنوان نصاب مشترک ایمانی در اجتماع مؤمنین بیان می‌دارد: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ...» خداوند در این آیه ده ویژگی جامعه مطلوب اسلامی تا آن زمان را مشخص کرده و زنان و مردان را در این ویژگی‌های ارزشی مشترک می‌داند. این ده ویژگی عبارت است از: اسلام،^۱ ایمان،^۲ اطاعت‌پذیری،^۳ تصدیق نیکی‌ها،^۴ شکیبایی،^۵ خشوع و فروتنی

۱. ر. ک: قلم: ۳۴-۳۵؛ جن: ۱۴؛ هود: ۱۴؛ نمل: ۸۱؛ قصص: ۵۳؛ یونس: ۸۴؛ صافات: ۱۰۳؛ بقره: ۱۳۱ و ۱۳۸؛ آل عمران: ۸۳، و ...
۲. ر. ک: عصر: ۳؛ تین: ۶؛ مؤمنون: ۱؛ اعراف: ۷۲ و ۷۶ و ...؛ یوسف: ۱۰۳؛ نحل: ۹۷ و ۹۹؛ اسراء: ۱۰۹؛ انفال: ۲؛ توبه: ۱۲۴؛ و ...
۳. ر. ک: زمر: ۹؛ نحل: ۱۲۰؛ روم: ۲۶؛ بقره: ۱۱۶ و ۲۳۸؛ آل عمران: ۱۷؛ احزاب: ۳۱؛ و ...
۴. ر. ک: لیل: ۶؛ قمر: ۵۴-۵۵؛ مریم: ۵۴-۵۵؛ اسراء: ۸۰؛ زمر: ۳۳؛ عنکبوت: ۲-۳؛ نساء: ۶۹؛ بقره: ۱۷۷؛ آل عمران: ۱۵-۱۷؛ و ...
۵. ر. ک: قلم: ۴۸؛ مزمل: ۱۰؛ مدثر: ۷؛ ص: ۱۷ و ۴۴؛ فرقان: ۲۰؛ قصص: ۵۴؛ یوسف: ۹۰؛ نحل: ۴۰؛ انبیاء: ۸۵؛ سجده: ۲۴؛ و ...

در برابر پروردگار،^۱ انفاق به نیازمندان،^۲ روزه‌داری،^۳ پاک‌دامنی،^۴ ذکر فراوان خدای متعال.^۵ این ده صفت، شناسهٔ اجتماع مؤمن پذیرای حکم پوشش اسلامی در آن زمان است (بهجت‌پور، ۱۳۹۶: ۸۰) به عبارت دیگر این صفات به تدریج در طول سال‌ها نزول قرآن در مکه و مدینه با نزول تدریجی آیات، مطرح و با تدبیر و تلاش پیامبر (ص) به عنوان مربی،^۶ در جامعه همراه با پیامبر (ص) درونی و نهادینه شد. بیشتر این موارد در سوره‌های مکی و برخی از آن‌ها مانند روزه‌داری بی‌گمان در مدینه حاصل شده بود. از این رو تحقق جامعهٔ متشخص ایمانی که پوشش اسلامی در آن ارزش‌گذاری، هنجار سازی و نهادینه شده و بتواند حکم پوشش را پذیرا باشند، نخست نیازمند ایجاد قابلیت‌های ده‌گانه در جامعهٔ ایمانی است. همچنین از خطاب آیهٔ ۵۹ احزاب که دربارهٔ پوشش زنان مؤمن بود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّزَوَّاجِكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَمَهُنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ...»، استفاده می‌شود که نصاب و ویژگی‌های ده‌گانه یادشده، شامل زن و مرد جامعهٔ ایمانی است؛ یعنی در جامعه‌ای که زن و مردش به‌طور عموم واجد این نصاب ایمانی باشند، حکم پوشش زنان، درونی سازی خواهد شد (بهجت‌پور، ۱۳۹۶: ۸۲). با درونی کردن و اجتماعی شدن این صفات، تشخص اسلامی و ایمانی مطلوب در افراد پدید می‌آید. تشخص اجتماعی اقتضا دارد انسان انضباط و قانون‌های اجتماعی دشوارتر را پذیرا باشد. سیاست‌گذاری قرآن در آماده‌سازی جامعه برای پذیرش حکم حجاب بر آن بود که هر یک از این مفاهیم و عناصر اسلامی در افراد درونی شده و به‌عنوان ارزش‌های پذیرفته‌شده، به سبک زندگی آنان مبدل گشته و هویت زیست مؤمنانه آنان را شکل دهد.

۱. ر. ک: ص: ۷۵؛ اسراء: ۱۰۹؛ مؤمنون: ۲؛ انبیاء: ۸۹-۹۰؛ بقره: ۴۵-۴۶؛ آل عمران: ۱۹۹؛ و... .

۲. ر. ک: یوسف: ۸۸؛ زخرف: ۱۸؛ بقره: ۱۹۶؛ آل عمران: ۱۴-۱۵ و ۱۷.

۳. ر. ک: مریم: ۲۶؛ بقره: ۱۸۲-۱۸۳ و ۱۸۵؛ و... .

۴. ر. ک: مریم: ۱۸؛ اسراء: ۳۲؛ اعراف: ۲۸؛ فرقان: ۶۳-۷۵؛ یوسف: ۵۲؛ اسراء: ۳۲؛ فصلت: ۳۰؛ نساء: ۲۲؛ ممتحنه: ۱۲؛ ...

۵. ر. ک: طه: ۳۳-۳۴؛ شعراء: ۲۲۶-۲۲۷؛ کهف: ۲۴ و ۲۸؛ بقره: ۱۵۲؛ انفال: ۲؛ رعد: ۲۸؛ احزاب: ۲۱؛ نور: ۳۷-۳۸؛ و... .

۶. ر. ک: ابراهیم: ۲؛ جمعه: ۲.

۵. طرح پوشش اسلامی در قرآن

سیر نزول آیات نشان می‌دهد، خداوند متعال پس از طرح تدریجی و گام‌به‌گام سیاست‌های کلان خویش در امر زیست عقیفانه و نهادینه‌سازی مؤلفه‌های جامعه اسلامی، زمینه را برای طرح حکم پوشش و حجاب فراهم می‌دارد. شواهد تاریخی حاکی از آن است که محیط مکه به گونه‌ای بود که مسلمانان تا مدت‌ها در مکه اعتقادات خود را از دیگران پنهان داشته و چنان تحت فشار بودند که گروهی از آنان برای نجات جان خویش به مهاجرت به حبشه ناچار شدند. لذا در محیط و شرایط مکه این حکم نمی‌توانست مصداق داشته باشد؛ چراکه شناخت زنان به ایمان و داشتن اعتقادات مخالف با دیگران در این فضا موجب آزارشان می‌شد. از این رو دستور به پوشش، به مدینه و در اوضاعی که جامعه‌ای با حاکمیت اسلام برپا شد، موکول گشت (بهجت‌پور، ۱۳۹۶: ۵۱). آیات مربوط به پوشش و حجاب اسلامی در قرآن انگشت‌شمار بوده و حداکثر دو آیه (احزاب: ۵۹؛ نور: ۳۱) به روشنی بحث پوشش اسلامی عموم مسلمانان را تشریح می‌کند. حال آنکه همان‌گونه که گذشت بخش عظیمی از آیات مرتبط با امر حجاب و پوشش به انضباط خاص و لازم برای عفاف و پاک‌دامنی جامعه اسلامی تخصیص یافته بود (بهجت‌پور، ۱۳۹۶: ۴۱). بررسی این دودسته آیه عبارت‌انداز:

الف) آیه ۵۹ سوره احزاب

خطاب به استفاده از پوشش کامل و سرتاسری در گستره اجتماع اسلامی به‌طور صریح در آیه ۵۹ سوره احزاب (۹۰) این‌گونه بیان می‌شود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلرِّجَالِ مِمَّا ظَهَرَ مِنْهُمْ أَنْ يُطِيقُوا كِسِيَّتَ الرِّجَالِ وَأَنَّهُمْ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِمْ شَيْءٌ مِّنْ مَا ظَهَرُوا أَنَّهُمْ كَمَا ظَهَرُوا وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ أَعْيُنِنَا...» این آیه همه زنان مؤمنان، از جمله زنان و دختران پیامبر (ص) را در امر پوشش دربر می‌گیرد (بهجت‌پور، ۱۳۹۶: ۴۳). آیه زمانی را تشریح می‌دارد که زنانی برای اقامه نماز پشت سر پیامبر (ص) از خانه به مسجد می‌آمدند، یا برای اموری چون قضای حاجت شب‌هنگام از خانه خارج می‌شدند و یا بودند زنان آزاد و کنیزانی که با لباس‌های ناکافی که سر و سینه آنان را به‌طور کامل پوشش نمی‌داد، در کوچه‌ها رفت‌وآمد داشته و موجب تعرض گروهی از جوانان

به آنان شده بودند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۴: ۳۰۷). این جوانان لاابالی اگر زنی را مقنعه زده می دیدند، متعرض او نمی شدند و می گفتند زن آزاد است و اگر زنی را بدون مقنعه می دیدند، می گفتند کنیز است و کام خواهی می کردند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ۱۰: ۳۱۵۵). خداوند با نزول این آیه برای تشخیص و شناساندن زنان آزاد مؤمن، این حکم را صادر نمود تا زنان و دختران مؤمنان از آزار اوباش در امان باشند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۸: ۵۸۱)؛ از این رو تشخیص ایمانی در صدور حکم پوشش نقش داشته و پوشش اسلامی حکمی برای پاسداری از زنان مؤمن در برابر دیگر زنان مشرک یا اهل کتاب است (بہجت پور، ۱۳۹۶: ۴۵). بديهی است مفهوم این سخن آن نیست که اوباش حق داشتند مزاحم کنیزان شوند؛ بلکه مراد آن است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۷: ۴۲۸). با توجه به اسباب نزول یادشده، در صدور حکم پوشش اسلامی دو نوع تشخیص «اجتماعی و ایمانی» دخالت داشته است. برخی روایات اهل بیت (ع) بیانگر دخالت این تشخیص در موضوع پوشش است: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى شُعُورِ نِسَاءِ أَهْلِ تِهَامَةَ وَالْأَعْرَابِ وَأَهْلِ الْبَوَادِي مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ وَالْعُلُوجِ لِأَنَّهِنَّ إِذَا تَهَيَّنَ لَا يَنْتَهَيْنَ قَالَ وَالْمَجْنُونَةُ الْمُغْلُوبَةُ لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى شَعْرِهَا وَجَسَدِهَا مَا لَمْ يَنْعَمَدْ ذَلِكَ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۳: ۴۷۰). مضمون روایت آن است که نگاه کردن به موی زنان اهل مکه، بادیه نشینان و اهل بیابان، اهالی ذمه و کافران اشکالی ندارد؛ زیرا این گروه از زنان، کسانی هستند که اگر بازداشته شوند، نهی پذیر نیستند. این گونه زنان به دلیل کفر، اهل ذمه بودن یا زندگی بدوی و دور از فرهنگ یا در محیط جاهلی و بادیه نشینی، تشخیص لازم را برای خود قائل نبوده و کسی که حرمت خود نگه ندارد، لزومی به احترامش نیست. لذا امام (ع) به دلیل نداشتن حس شخصیت اجتماعی و ایمانی، مانعی در نگاه کردن به موهای آن‌ها ندیده‌اند. از این رو پوشش اسلامی معرف شخصیت زن مسلمان و خانواده و اجتماع او به شمار آمد. این تعریف آن چنان بود که طمع هرزگان زن و مرد از زن مسلمان بریده شود.

ب) آیات ۳۰-۳۱ سوره نور

دومین مورد درباره حکم پوشش را در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور شاهدیم: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْتَبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...»؛ پس از دستیابی جامعه به هنجار پاک دامنی، در این سوره دست کم هشت راهکار از جمله: کنترل نگاه، پوشاندن شرمگاه‌ها و توصیه به پوشش کامل تر زنان مؤمن و آشکار نکردن زینت‌های درونی برای پاسداشت پاک دامنی جامعه بیان می‌شود؛ اما لازم به ذکر است که این دستورات در رابطه با پوشش اسلامی و فلسفه آن نیست بلکه به منظور حفظ پاک دامنی جامعه ایمانی است. زنان با پوشیدن لباس سراسری و نزدیک کردن جلباب به خود، زن پوشیده مسلمان بوده و با این لباس، طمع هرزگان بریده می‌شود؛ ولی جامعه زنان و مردان باید از مرزهای عفت و پاک دامنی مراقبت می‌کردند و صیانت از این مرزها به اقداماتی وابسته بود (بهجت‌پور، ۱۳۹۶: ۵۸)؛ بنابراین با عنایت به اینکه در آیه ۵۹ سوره احزاب دستور به پوشش زنان با لباس‌های بلند و سرتاسری صادر شده بود، و آیات سوره نور ربط صریح و مستقیم با پوشش ندارند بلکه موافق سیر نزول حکمی پس از دستور به پوشش بوده و در واقع مربوط به کمال پوشش اسلامی و با هدف کنترل رفتار هنجارشکنانه از پاک دامنی جامعه از سوی زنان مسلمان و به منظور حفظ پاک دامنی جامعه مؤمن از خطر جذابیت‌های باطنی است (بهجت‌پور، ۱۳۹۶: ۶۳). مردان و زنان جامعه اسلامی، چه با پوشش یا غیر پوشش اسلامی، نباید به گونه‌ای رفتار کنند که عفت عمومی جامعه در خطر افتد.

ه) تفاوت عبارات این دو سوره در عفاف و پوشش

پوشش اسلامی در آیه ۵۹ سوره احزاب با عبارت دستور و اثباتی آمده: «قُلْ... يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْكُمْ اَصْحَابُ السُّرُوْبِ...»؛ اما دستور به پوشاندن زینت های درونی در آیات ۳۰-۳۱ سوره نور با عبارات ناهایانه: «وَلَا يَبْدِيْنَ زِيْنَتَهُنَّ اِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلٰى جُيُوْبِهِنَّ وَلَا يَبْدِيْنَ زِيْنَتَهُنَّ اِلَّا لِبُعُوْلَتِهِنَّ... وَلَا يَضْرِبْنَ بِاَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِيْنَتِهِنَّ». این تفاوت نشان می دهد پوشش اسلامی به گونه ای احساس شخصیت ایمانی و اجتماعی برای افراد ایجاد می کند که دیگر نیازی به استفاده از ابزار ناهایانه نیست؛ یعنی همین که افراد احساس شخصیت کنند و از آزار افراد هرزه در امان باشند، برای پذیرش پوشش اسلامی انگیزه خواهند داشت. برخلاف پوشاندن گردن و گلو و زینت های باطنی که به دلیل تمایل به دیده شدن زیبایی ها، نیازمند نهی از منکر در پاسداری جامعه از بی عفتی ها و آلودگی های اخلاقی است.

همچنین عبارات این آیات نشان می دهد رابطه عفاف و حجاب رابطه عموم خصوص مطلق است؛ نه رابطه تساوی و نه عموم خصوص من وجه؛ زیرا حجاب سر، خاص زنان وابسته به جامعه مسلمان است. در پوشش اسلامی باید امر و توصیه شود، اما در آشکار کردن زیبایی ها و زینت ها باید نهی از منکر شود.

به عبارتی دقیق تر دین اسلام حکم حجاب را به عنوان حکمی تکلیفی و ضروری برای زنان وابسته به جامعه اسلامی تعیین کرده است؛ چرا که عفت و پاک دامنی، به معنای چیرگی عقل و مدیریت مهار قوای شهوانی به دست آمده آن است. این حالت اگر به شکل ملکه ای در نفس انسانی درآید، شخص در حالتی قرار می گیرد که به سادگی تهییج نشده، قوای شهوانی او نمی تواند سرکشی کرده، او را به سوی گناه سوق دهد. بر اساس سیر نزول آیات قرآن کریم آدمی در یک فرآیند تدریجی به جایی می رسد که قوای نفسانی بر او حکومت نکنند، بلکه عقل و آموزه های عقلانی و وحیانی (تقوا و پرهیزگاری واقعی)، بر جان او مسلط شده است؛ اما حجاب پوشش ظاهری و بیرونی بوده که از دیدگاه

اسلام حجاب به مفهوم محدود کردن فعالیت‌های اجتماعی افراد خصوصاً زنان نیست بلکه می‌توانند با رعایت پوشش و حفظ حدود آن در جامعه حضوری فعال داشته باشند؛ بنابراین مسئولیت تأمین عفاف بر عهده حجاب نیست، بلکه حجاب نشانه وجود صفت عفت در زن مسلمان است. تا عفاف در جامعه هنجار نشود، بی‌تردید حریم پوشش شکسته خواهد شد؛ از این رو حکم پوشش اسلامی دستوری برای جلوگیری از بی‌عفتی در فرد و جامعه نیست! پوشش اسلامی نمادی برای شناخته شدن شخصیت اجتماعی ایمانی زنان و مردان عقیف و پاک‌دامن وابسته به آن است.

ح) پوشش نماد بلوغ و تشخیص ایمانی زنان

وجود آیه پوشش اسلامی در سوره احزاب که نودمین سوره نازل شده بر پیامبر (ص) و از سوره‌های مدنی است، روشن می‌دارد پوشش اسلامی نمایان‌کننده شخصیت ایمانی و اسلامی زنان و اجتماع وابسته به آن‌ها بوده و این نمایش و تعریف درجایی رخ می‌نماید که موجب آزار و اذیت مؤمنان نباشد. این حکم نمی‌توانست در مکه باشد؛ زیرا خلاف مقصود و حکمت حکم پوشش بود؛ از این رو ابلاغ حکم تا پس از هجرت مدینه به تأخیر افتاد. همچنین به دلیل آنکه لازم بود جامعه دینی و زنان مؤمن، واجد شخصیت و ایمانی مطلوبی گردد، حکم پوشش پس از حدود چهار سال از هجرت پیامبر (ص) و به دنبال ظرفیت‌سازی مناسب در جامعه صادر گشت. هدف از پوشش اسلامی، ایجاد شخصیت دورکننده از طمع هرزگان در اجتماع مؤمنان و ناکام گذاشتن زنان و مردان هرزه از بازیچه کردن زنان مؤمن در هرزگی آن‌هاست. شناخت زنان به این تعالی شخصیت و دورکردن آسیب‌های یادشده، زمانی تحقق می‌یابد که شناخت به ایمان و شخصیت زنان و خانواده‌های آن‌ها به ایمان، موجبات آزار آنان را فراهم نکند.

زنان در صورت نداشتن بلوغ و تشخیص اجتماعی، عدم استفاده از پوشش مناسب را نادرست نمی‌دانند. این مشکل می‌تواند چنان گسترده شود که گاه مردم

یک منطقه، یک شهر و آبادی را دربرگرفته و هنجار آنان به جای پوشش، به بد پوششی مبدل گشته، حتی در صورت نهی از بی پوششی به آن واکنش منفی نشان دهند. لازم به ذکر است نهی از منکر درجایی صورت می گیرد و سودمند است که عملی هنجار شده باشد؛ از این رو باید در جامعه اسلامی تلاش مسلمانان بر هنجار سازی پوشش اسلامی متمرکز شود تا تشخیص اجتماعی و ایمانی افراد در پرتو ترویج برخی مؤلفه های شخصیت ساز رشد یابد (بهجت پور، ۱۳۹۶: ۴۹). این تشخیص ایمانی به مقیاس عموم مردم مؤمن سنجیده می شود. میزان ایمان و کمالاتی که احترام زنان مؤمن را پدید می آورد، در اندازه عموم مردم مؤمن و نه طبقات مرجع و برگزیده و خواص از مؤمنان است. در غیر این صورت حکم پوشش مخصوص آن ها می شد و دیگران در این باره فرمانی دریافت نمی کردند. حال آنکه که دستور به پوشش اسلامی زنان درباره تمام زنان مؤمن صادر شده است.

سیاست های کلان قرآن در جامعه پذیری پوشش نشان می دهد برای ترغیب بانوان به پوشش اسلامی لازم است شخصیت اجتماعی و ایمانی آنان مورد توجه ویژه قرار گیرد. زنان باید احساس کنند هرچه پوشیده تر شوند، در جامعه ارزش بیشتری داشته و پوشش آن ها معرف کمالات بینشی، گرایشی و رفتاری شان به شمار خواهد رفت. از این رو مکاتب منحرف و جریانات آلوده برای زنان شخصیتی تعریف می کنند که کاهش پوشش و افزایش خودآرایی، نشانه کمالات اجتماعی و فرهنگی آنان به شمار آید.

بنابراین پوشش اسلامی به تنهایی نماد سلامت اخلاقی مؤمنان است. ایجاد شرایط پایدار عفت جنسی، نگهداشت و مراقبت از هنجار پاک دامن در جامعه ایمانی بستگی کاملی به اجتناب از عوامل به خطر افتادن عفت جنسی در اجتماع دارد. این عوامل مسئولیتی را برای مردان و البته مسئولیت بیشتری را برای زنان مؤمن ایجاد می کند؛ لذا اصل بحث پوشش، تشخیص ارزشی و ایمانی است و زنان مؤمن پوشیدگی را نشانه شخصیت و هنجار اجتماعی ایمانی قلمداد می کنند (بهجت پور، ۱۳۹۶: ۶۶).

سیاست‌های طراحی شده قرآن در امر پوشش و حجاب آشکار می‌دارد با گسترش پوشش اسلامی و ارزش نهادن بر شخصیت ایمانی اجتماعی زنان پوشیده، پوشش و حجاب در جامعه ترویج و هنجار می‌گردد: «ذَلِكِ اَدْنٰى اَنْ يَعْرِفْنَ فَاَلَا يُوَدِّينَ...» (احزاب: ۵۹). حال آنکه جبههٔ مقابل آن، به دنبال ایجاد شخصیتی ضد ارزش بوده و پوشش را نشان بی‌شخصیتی و کم پوششی و جلوه‌گری را علامت تشخص اجتماعی معرفی می‌کنند. بیشتر زنانی که به کم پوششی یا اظهار زینت‌های خود روی آورده و خانواده‌هایی که با آنان همراهی کنند، شخصیت اجتماعی و فرهنگی خود را در این مدل لباس دانسته و این کیفیت زندگی را هنجار به شمار می‌آورند.

۶. وظایف حکومت اسلامی در جامعه‌پذیری حجاب

دولت‌ها و حکومت‌ها به دلیل برخورداری از قدرت، اختیار و امکانات، امور اجتماع را سامان می‌دهد. اگر هدف از تشکیل دولت، تنها برقراری نظم و امنیت، تأمین نان و مسکن، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی شهروندان باشد، طبیعی است که در این دولت‌ها اموری مانند پوشش از امور شخصی بوده و هر شخص بنا بر میل و سلیقه‌اش، نوعی از آن را برای خود انتخاب می‌کند، یا اساساً آن را ترک کرده و برهنه در اجتماع ظاهر شده و چون این وضعیت از حقوق شخصی شهروندان آن‌ها محسوب شده، کسی مجاز به دخالت نخواهد بود (فاضلی، ۱۳۷۴: ۲۴۹). چنین جوامعی تا بدان جا پیش می‌روند که با وضع قوانین و با نام تمدن و برقراری نظم، محدودیت‌هایی را نیز در نظر گرفته و مردان و زنان را به رعایت آن وادار می‌کنند؛ مانند آنچه رضا پهلوی در ایران قبل از انقلاب به تبعیت از آتاتورک، در سفر خویش به ترکیه، در اموری چون پوشش بانوان اجرایی کرد (قاضی، ۱۳۷۲: ۴).

اما فلسفه دولت و حکومت اسلامی بی‌اعتنایی در چنین اموری و وانهادن آن‌ها به میل و سلیقه افراد نیست؛ زیرا دولت اسلامی افزون بر اهداف مشترک با دیگر دولت‌ها، دو وظیفه و رسالت مهم: «تحقق احکام اسلامی» و «رشد

و تعالی معنوی و اخلاقی شهروندان» برعهده‌دارد که آن را از دولت‌های دیگر متمایز کرده و کمال آدمی که در پرتو زندگی جمعی حاصل می‌شود را محقق می‌دارد (مطهری، ۱۴۰۰: ۱۲۷). ممکن است در فرض نبود دولت اسلامی نیز عده‌ای به‌صورت شخصی پله‌های کمال و ترقی را پیموده و بدون اتکا به حمایت دولت به رشد فکری و معنوی رسند، ولی عموم مردم بدون برخورداری از چنین زمینه‌ای و بدون حمایت حکومت نمی‌توانند به قله‌های کمال رسیده و استعداد‌های نهفته درون خود را به فعلیت رسانند (عاقلی، ۱۳۷۷: ۱۴). امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «اللَّهِمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ... وَلَكِنْ لِنَرِدَ الْمُعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنَ الْمُظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَتُقَامَ الْمُعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ» ایشان آشکار ساختن نشانه‌های دین خدا و اصلاح سرزمین‌های اسلامی را فلسفه پذیرش حکومت دانسته که در پرتو آن، ستم‌دیدگان امنیت یافته و حدود تعطیل شده الهی اقامه شود (نهج‌البلاغه/۱۳۱) بدون شک پوشش اسلامی یکی از شعائر سیاسی دین خداست. مصداق آن نیز تهاجم دولت‌های غربی در برابر پوشش و حجاب دختران و زنان مسلمان است که آن را نماد اسلام می‌خوانند و از عمومی شدن آن در هراس بوده و جلوگیری می‌کنند.

جامعه پذیرای حجاب همراهی افراد را به دنبال دارد و همچون فصل بهار است که طراوت، شادابی، سبزی درختان و سبزه‌ها را به‌راحتی حاصل می‌دارد. حال آنکه در شرایط سخت که حجاب و پوشش مورد تهاجم دشمنان قرار گرفته و همراهی افراد با ارزش‌های اسلامی از جمله حجاب و پوشش و صفات زمینه‌ساز آن در جامعه دچار تردید واقع شده، تأکید یا تشویق بر حجاب و پوشش همچون آن است که در فصل پاییز و یا زمستان بخواهیم درختان را سرسبز و با طراوت کنیم که قطعاً مؤنه زیاد و بعضاً بی‌حاصلی را به دنبال خواهد داشت؛ از این‌رو حکومت وظیفه دارد در جهت گسترش جامعه مطلوب ایمانی، سیاست‌گذاری‌های لازم در فرهنگ عفاف و حجاب را برنامه‌ریزی کرده و با عملیاتی‌سازی آن، جامعه را به‌سوی رعایت پوشش رهنمون سازد. همچنین افرادی را که با التزام عملی خود به احکام دین، زمینه رشد و تعالی مردم را

فراهم می‌دارند، تشویق کند. در این صورت است که رعایت عفاف و حجاب، «ارزش» و رعایت نکردن آن‌ها، «ضد ارزش» به حساب آمده و زنان متشخص با ایمان و عفیف و باحجاب نیز محترم و مورد تکریم قرار گیرند. در مقابل، زنان بی‌حجاب، بدحجاب و شل حجاب از احترام و قداستی که یک زن باحجاب از آن برخوردار است، محروم می‌شوند؛ زیرا در فرهنگ اسلامی، معیار ارزش و کرامت انسانی، رعایت حدود و تقوای الهی است. از این رو کسانی که حریم الهی را زیر پا نهند به خود و افراد جامعه آسیب رسانده و زمینه انحراف اخلاقی جوانان و نوجوانان را فراهم ساخته و حقوق دیگران را که خداوند به آنان عطا کرده، رعایت نمی‌کنند، با کسانی که حریم الهی را پاس می‌دارند و حقوق اجتماعی شهروندان را رعایت می‌کنند و پاسدار سلامت اخلاقی جامعه هستند، یکسان نخواهند بود (جعفریان، ۱۳۸۰، ۱: ۲۷۱).

بنابراین، دولت اسلامی می‌تواند با سیاست‌ها و برنامه‌های متنوع، زمینه گسترش فرهنگ عفاف و حجاب را فراهم آورده و در برابر هجمه‌های هدفمند مبارزه با عفاف و حجاب مردم مسلمان را بی‌پناه نگذارند. دولت موظف است همه امکانات خود را برای تحقق بخشیدن به ارزش‌ها و احکام و شریعت اسلامی، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی بکار گیرد. چراکه رعایت پوشش اسلامی در اجتماع، زمینه مساعدتری را برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق او را فراهم خواهد ساخت؛ اما در مقابل رشد بدحجابی، شل حجابی یا بی‌حجابی، علاوه بر آنکه بی‌بندوباری و بی‌عفتی را در پی دارد، هزینه محجبه شدن زنان عفیف را نیز افزایش خواهد داد.

نتایج

- قرآن برای تحقق جامعه اسلامی پوشیده در عصر نزول با تفکیک و تقدم عفاف از حجاب، چهار مرحله: ارزش‌گذاری بر عفاف، تثبیت ارزشمندی عفاف، هنجار سازی ارزشمندی عفاف، تثبیت عفاف را در اجتماع پیگیری

کرده و عفاف از درون شدگی فردی تا هنجارشدهگی اجتماعی، پیشرفت این امر زمینه‌ساز صدور فرمان به پوشش اسلامی (حجاب سر) به‌عنوان معرف شخصیت زنان مسلمان شد.

- حجاب به معنای پوشش سر، هنگامی واجب گشت که در کنار جامعه‌پذیری عفاف ارزش‌های نه‌گانه دیگری چون اسلام، ایمان، اطاعت‌پذیری، صداقت، شکیبایی، خضوع در برابر پروردگار، صدقه، روزه‌داری، پاک‌دامنی و ذکر فراوان خداوند (احزاب: ۳۵) شخصیت عمومی و غالب زنان و مردان جامعه اسلامی شده بود. دستور پوشش زنان در سوره احزاب معرف شخصیت زنان وابسته به جامعه مؤمنان- حداقل در مجموع این صفات ده‌گانه- محسوب می‌شد. در این جامعه ارزش‌های اسلامی مذکور در قالب عام مجموعه‌ی صفت عمومی جامعه مسلمان شناخته‌شده و پوشش اسلامی زنان معرف داشتن این صفات برای ایشان و برای خانواده‌هایی بود که این زن به آن‌ها وابستگی داشت.

- گزاره «حجاب نشانه پاک‌دامنی است» گزاره‌ای غلط است؛ زیرا مسئولیت تأمین عفاف را نباید بر دوش حجاب قرار داد، بلکه حجاب نشانه است؛ نشانه برای وجود صفت پاک‌دامنی و مقدمات آن در زن مسلمان. تا عفاف و برخی صفات پیش‌گفته در جامعه هنجار نشود، بی‌تردید حریم پوشش شکسته خواهد شد؛ بنابراین نباید حکم پوشش اسلامی را دستوری برای جلوگیری از بی‌عفتی دانست. چراکه پوشش اسلامی دستوری انضباطی برای شناخته شدن شخصیت اجتماعی ایمانی زنان و مردان عقیف و پاک‌دامن وابسته به آن است؛ ازاین‌رو رابطه عفاف و حجاب رابطه عموم خصوص مطلق است؛ یعنی هر محجبه‌ای پاک‌دامن هست اما هر پاک‌دامنی محجبه نیست. چه بسیار پاک‌دامنانی که پوشیده به حجاب موی سر نبوده و آلوده به انحراف جنسی نیز نیست.

- سیاست‌گذاری قرآن در جامعه‌پذیر کردن پوشش اسلامی نشان می‌دهد نخست باید تشخیص ایمانی اجتماعی بانوان تشریح شده و با بیان لطافت‌های جنس زنانه، دلیل حکیمانه افزونی مطالبه در عفاف و پوشش به ایشان را یادآور گشت. پس از آن انضباط و محدودیت‌های اختصاصی آنان در قالب پوشش

اسلامی به صورت شرعی و قانونی تبیین گردد. عدم توجه و تشویق زنان پوشیده و نادیده گرفتن ظرفیت تشخص ایمانی اجتماعی ایشان قطعاً لطمات زیان‌باری را به دنبال دارد.

- همان‌گونه که قرآن برای جامعه‌پذیری عفاف رهنمودهایی مستقل داشته و آن را مقدم بر دستور پوشش اسلامی قرار داده است؛ به نظر باید اولویت بلکه تمرکز دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغی بر امر پاک‌دامنی و مقدمات آن باشد. ترویج عفاف مقدم بر حجاب و زمینه‌ساز تکلیف شرعی حجاب دانسته شود.

- چون حجاب نشانه وارستگی‌های اعتقادی و اخلاقی جامعه اسلامی است، بدخواهان مسلمانان تلاش داشته‌اند تا بی‌حجابی را بر جوامع مسلمانان تحمیل کنند. با تغییر قابل توجه زنان پوشیده، فضای به حاشیه رفتن ارزش‌های دینی تشدید شده و زمینه برای سختی و صعوبت متصف شدن نسل‌های جدید به ارزش‌های اسلامی و تردید نسل‌های فعلی بر پایداری بر ارزش‌هایی که حجاب نمایانده آن‌هاست، فراهم می‌شود؛ لذا لازم است تا دستگاه‌های سیاسی و اجتماعی نسبت به مقابله با این خطر تدابیر مناسب را به موقع اجرا نمایند.

- بایسته است حکومت‌های اسلامی در مقابله با جریان‌ات هدفمند دشمن در مبارزه با حجاب هوشیار بوده، وظایف خویش را به نحو شایسته انجام داده و مردم مسلمان را بی‌پناه نگذارند. چراکه جامعه‌ای که حکم پوشش در آن دچار تقلیل شده، همراهی با ارزش‌های اسلامی توسط نسل‌های فعلی با تردید همراه گشته، پذیرش پوشش، پایبندی به صفات زمینه‌ساز پوشش، اصل پذیرش حجاب و به‌طور محجبه شدن زنان در آن جامعه با سختی مواجه خواهد شد.

منابع

- * قرآن کریم.
* نهج البلاغه.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۹۸۴ م). التحرير و التنوير. تونس: الدار التونسیه للنشر.
ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۹۸۸ م). لسان العرب. بیروت: دار احیا التراث العربی.
ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ ق). تفسیر القرآن العظیم. عربستان: مکتب نزار مصطفی الباز.
بهجت پور، عبدالکریم. (۱۴۰۳). تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول). قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۸). روش فرهنگ سازی پاکدامنی در قرآن. قم: هاجر.
بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۶). سیر فرهنگ سازی پوشش اسلامی (با رویکرد تفسیر تنزیلی). قم: تمهید.
جعفریان، رسول. (۱۳۸۰). رسائل حجابیه. قم: دلیل ما.
ریتز، جورج. (۱۳۹۱). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. تهران: علمی.
شریف حیدری، محمد. (۱۳۹۴). جامعه‌پذیری دین در ایران. قم: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.
طباطبایی، محمدحسین. (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: اسماعیلیان.
طبرسی، فضل بن علی. (۱۳۷۲). تفسیر مجمع البیان. تهران: ناصر خسرو.
عاقلی، باقر. (۱۳۷۷). رضاشاه و قشون متحدالشکل. تهران: نامک.
عروسی حویزی، عبدعلی. (۱۴۱۵ ق). تفسیر نورالثقلین. قم: اسماعیلیان.
فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۷۴). «ارزیابی انتقادی نظریه نوسازی». نشریه پژوهش فرهنگی. شماره ۱. صص ۲۴۵-۲۶۶.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۹۹۵ م). قاموس المحيط. بیروت: دارالکتب العلمیه.
قاضی، نعمت‌الله. (۱۳۷۲). علل سقوط حکومت رضاشاه. تهران: آثار.
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ ق). الکافی. قم: دارالحدیث.
مدرسی، محمد تقی. (۱۳۷۷). تفسیر هدایت. مشهد: آستان قدس رضوی.
مطهری، مرتضی. (۱۴۰۰). فلسفه حجاب. قم: صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب السلامیه.
منتظری مقدم، حامد. (۱۳۸۴). «گونه‌های ازدواج در عصر جاهلی». فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش. سال دوم. شماره ۴. صص ۱۲۷-۱۵۶.

REFERENCES

- The Holy Qur'an.
Nahj al-Balagha.
Al-Tabarsi, Fadl ibn Ali. (1372). Tafsir Majma al-Bayan. Tehran: Naser Khosrow.
Aqeli, Baqir. (1377). Reza Shah and the Uniform Army. Tehran: Namek.
Arousi-Howaizi, Abd al-Ali. (1415 AH). Tafsir Nur al-Thaqalain. Qom: Ismailian.
Bahjatpour, Abdul Karim. (1396). The Process of Cultur-building the Islamic Hijab (with the Tafsir Tanzili Approach). Qom: Tamhid.
Bahjatpour, Abdul Karim. (1398). The Method of Culturing Chastity in the Qur'an. Qom: Hajar.
Bahjatpour, Abdul Karim. (1403). Tafsir al-Tanzili (in order of revelation). Qom: Research Institute of Islamic Culture and Thought.
Fazeli, Nematullah. (1374). "A Critical Evaluation of the Theory of Modernization". Journal of Cultural Research. No. 1. pp. 245-266.
Firouzabadi, Mohammad ibn Yaqub. (1995). Qamus al-Muhit. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
Ghazi, Nematullah. (1372). Causes of the Fall of Reza Shah's Government. Tehran: Athar.
Ibn Abi Hatim, Abdul Rahman ibn Muhammad. (1419 AH). Tafsir al- Qur'an al-Azeem. Saudi Arabia: Maktaba Nazar Mustafa al-Baz.
Ibn Ashur, Muhammad Tahir. (1984). Al-Tahrir wa al-Tanwir. Tunisia: Dar al-Tunisiyyah Publications.
Ibn Babwayh, Muhammad ibn Ali. (1362). Al-Khisal. Qom: Jamia al-Mudrasin.
Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram. (1988). Lisan al-Arab. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
Jafarian, Rasoul. (1380). Rasail Hijabiyyah. Qom: Dalil-e-Ma.
Kulayni, Mohammad ibn Yaqub. (1429 AH). Al-Kafi. Qom: Dar al-Hadith.
Makarem Shirazi, Naser. (1371). Tafsir Nemooneh. Tehran: Dar al-kutub al-Islamiyah.
Modarresi, Mohammad Taqi. (1377). Tafsir al-Hedayat. Mashhad: Astan Quds Razavi.
Montazeri Moghaddam, Hamed. (1384). "Types of Marriage in the Pre-Islamic Era". Quarterly Journal of Islamic History in the mirror of Research. Vol. 2, No. 4, pp. 127-156.
Motahhari, Morteza. (1400). Philosophy of Hijab. Qom: Sadra.
Reiters, George. (1391). Sociological Theory in Contemporary Times. Tehran: Elmi.
Sharif Heydari, Mohammad. (1394). Socialization of Religion in Iran. Qom: Research Institute of Culture, Art and Communication.
Tabatabaei, Mohammad Hossein. (n.d.). Al-Mizan fi Tafsir al- Qur'an. Qom: Ismailian.

| Extended Abstract |

The Policies of the Holy Qur'an in the Socialization of Chastity and Hijab

Abdolkarim Bahjatpoor , Khadijeh Ahmadi Bighash

Objective:

From the very beginning of the Renaissance, the leaders of the Western world had been dreaming of exploiting and colonizing different regions of the world, plundering their wealth, and dominating the thoughts of their own worldviews over the thoughts of other peoples. Unfortunately, this technological and industrial package also brought with it a cultural, moral, and social attachment based on intellectual foundations and fundamental humanist, atheistic, non-religious, and even anti-religious ideas. One of the most key cultural categories in this scene of struggle, which has received serious attention from the Western world and its leaders have repeatedly spoken openly and innuendo about planning for this category, is the issue of chastity, hijab, and Islamic dress in Islamic countries. Unfortunately, the methods of culture-building in these categories have not had a clear model so far. The prescription for treating pain and the way to establish just human and Islamic communities is to return to the policies and guidelines of the Holy Qur'an.

Methodology:

The present study was conducted using a descriptive-analytical method with the aim of examining the policies of the Qur'an as a practical model for accepting chastity and Islamic dress and transforming society from pollution to chastity, for today's Iranian society.

Research Findings: Culture-building methods in these categories have not yet had a specific pattern, and the efforts of relevant institutions to transfer the norms of Islamic culture have failed to combat the cultural wave originating from the Western world. Even trust in legal and regulatory institutions in this area is gradually being less affected, or the ability to deter police and judicial actions has decreased. The way to create just, humane and Islamic societies is to return to the policies of the Quran, which, when revealed during the era of ignorance, was able to create remarkable developments. The Messenger of God (PBUH) also emphasized: "Whenever seditions, like parts of a dark night, make you doubt, refer to the Qur'an."

Findings:

The Qur'an, in order to realize a veiled Islamic society in the era of revelation, separated and prioritized chastity from veiling, followed four stages in society: valuing chastity, establishing the value of chastity, normalizing the value of chastity, establishing chastity, and chastity from individual internalization to social normalization. The progress of this matter paved the way for issuing a command to wear Islamic

hijab (veil) as an indicator of the personality of Muslim women.

– The Quran’s policy in the social acceptance of Islamic dress shows that first, the religious and social identity of women should be explained, and by expressing the feminine graces, the wise reason for the additional demand for chastity and veiling should be reminded. After that, their specific discipline and limitations in the form of Islamic hijab should be explained in a religious and legal manner. Lack of attention and encouragement to veiled women and ignoring their capacity for social and religious identity will certainly have harmful consequences.

– Just as the Qur’an has independent guidelines for the social acceptance of chastity and has placed it before the commandment of Islamic hijab; it seems that the priority, rather the focus of cultural and propaganda organizations, should be on chastity and its prerequisites. Promoting chastity should be considered prior to hijab and the basis for the religious obligation of hijab. Because hijab is a sign of the religious and moral integrity of Islamic society, Muslim ill-wishers have tried to impose non-hijab on Muslim communities. With the significant change in veiled women, the atmosphere of marginalization of religious values has intensified and the ground is prepared for new generations a context to struggle to identify with Islamic values, and for current generations to question their ability to uphold the values represented by the hijab. Hence, it has become imperative for political and social institutions to take appropriate measures to combat this threat in a timely manner.

KEYWORDS: The Course of Revelation of the Qur’an, Islamic Dress, Chastity, Religious Society, Islamic Government